تحلیل موضوعی مقاله‌های ادبیات تطبیقی در ایران از ۱۳۳۰ تا ۱۳۹۰ه.ش

نعمت‌الله ایران‌زاده[1]G، محمد امامی[2]

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکدهٔ ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکدهٔ ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

دریافت: ۹۲/۱۱/٦ پذیرش: ۹٤/٤/۱۵

فصل‌نامهٔ علمی- پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی
دورهٔ ٤، شمارهٔ ۱، بهار ۱۳۹۵، صص ۲۵ - ٤۵

چکیده

از نخستین پژوهش‌های ادب تطبیقی در ایران به سال ۱۳۳۰ه.ش تاکنون، مقاله‌های زیادی در پیوند بین آثار ادبی ایران با سایر ملل جهان، نوشته شده است. در تبیین وضعیت و جایگاه مطالعات انجام‌یافته و یافتن موضوعات تازه و آگاهی از آبشخورهای فرهنگی و زمینه‌های شکل‌گیری آثار ادبی و آگاهی از سهم اثرگذاری و اثرپذیری و مشابهت و همسانی بین مفاهیم ادبی آثار، پژوهش‌های جامعی انجام گرفته است که در این جستار به تحلیل موضوعی مقاله‌های ادب تطبیقی در ایران پرداخته می‌شود. این پژوهش نشان می‌دهد در چه ساحت‌ها و زمینه‌هایی با فراوانی مقاله‌ها و یا تکرار مطالب مواجهیم و در چه زمینه‌ها و موضوعاتی می‌توان پژوهش‌های تازه انجام داد.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، تاریخ ادبیات معاصرایران، تحلیل انتقادی، موضوع، مقاله.

* نویسندهٔ مسئول مقاله: E-mail:iranzadeh@atu.ac.ir

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

۱. مقدمه

دربارهٔ مفهوم ادبیات تطبیقی و کلیّت آن، پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته است، اما در گسترهٔ مرجع‌شناسی و کتاب‌شناسی ادبیات تطبیقی جای بسیاری از مطالعات بنیادی خالی است. نگارندگان همواره بر این باور بوده‌اند که شناسایی، معرفی و بررسی آثار و پژوهش‌هایی که در پیوند با موضوعات تطبیقی پدید آمده‌اند، ضرورت و اهمیت بسیار دارد؛ کاری که پژوهشگران را یاری دهد تا بتوانند تصویری روشن از پژوهش‌های انجام‌شده در پیوند با موضوعات تطبیقی به دست آورند و از تحقیقات تکراری، موازی و غیر ضروری بپرهیزند. در این جستار- با ارائهٔ جدول‌ها و نمودارهای «زمانی» و «موضوعی»- به ارائهٔ اطلاعات و موضوعات مقاله‌هایی در باب ادب تطبیقی پرداخته شده است که در مجموعهٔ مقالات، همایش‌ها، سمینارها و مقاله‌های موجود در مجله‌های علمی- پژوهشی، علمی- ترویجی و مروری از سال ۱۳۳۰ تا پایان سال ۱۳۹۰ هجری شمسی در ایران منتشر شده است.

۲. پیشینهٔ تحقیق

تاکنون مقاله‌ها و پژوهش‌های بسیاری اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه دربارهٔ سیر ادبیات تطبیقی در ایران نوشته شده است که از آن‌جمله می‌توان به مقاله‌ها و پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

۱. منصور پیرانی (۱۳۸٤)، *سیر ادبیات تطبیقی در ایران*، رسالهٔ دکتری رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی، به راهنمایی سیروس شمیسا، دانشکدهٔ ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی.

۲. مجید صالح‌بک و هادی نظری منظم (۱۳۸۷)، «ادبیات تطبیقی؛ پیدایش و چالش‌ها»، مجلهٔ *زبان و ادب* (دانشگاه علامه طباطبایی)، شمارهٔ ۳۸.

۳. ویدا بزرگ‌چمی (۱۳۸۷)، «کلیّت ادبیات تطبیقی». مجلهٔ *نامهٔ انجمن*، شمارهٔ ۳۰،

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

٤. علیرضا انوشیروانی (۱۳۸۹)، «چالش‌های ادبیات تطبیقی در ایران»، *ویژه‌نامهٔ ادبیات تطبیقی*، دورهٔ اول، شمارهٔ دوم.

در تمام مقاله‌ها و پژوهش‌های یادشده، دو موضوع مهم بررسی شده است: ۱. پیشینهٔ پیدایش ادبیات تطبیقی در اروپا و آمریکا ۲. سیر ادبیات تطبیقی و پیدایش آن در ایران. در بخش نخست، از نام‌آوران این عرصه سخن رفته است و مبانی و تئوری‌های نظری آن‌ها با تکیه بر دو مکتب مهم فرانسوی و آمریکایی ادبیات تطبیقی مورد بررسی و ارزیابی قرار داده شده است. در بخش دوم به سیر تاریخی پیدایش ادب تطبیقی در ایران، به‌صورت کلی و گاه موردی، سخن رفته است و به آثار مهم در موضوع ادبیات تطبیقی، اشاراتی شده است.

آنچه در این مقاله بدان پرداخته‌ایم، بررسی سیر موضوعات مقاله‌های تطبیقی از سال ۱۳۳۰ تا پایان سال ۱۳۹۰ هجری شمسی است.

۱-۲. بررسی و تحلیل سیر مطالعات تطبیقی در ایران

در نگاهی کلی به آثاری که در ایران در پیوند با موضوعات تطبیقی پدید آمده است، نقطهٔ آغاز پژوهش در باب ادبیات تطبیقی را رسماً با تألیف کتاب *ادبیات تطبیقی* جمشید بهنام در سال ۱۳۳۲ه.ش می‌توان در نظر گرفت. هرچند پیش از این تاریخ نیز مقاله‌ها و پژوهش‌هایی- که در حیطهٔ ادبیات تطبیقی بگنجد- نوشته شده است، ولی همه به بیان اصول عملی ادبیات تطبیقی پرداخته‌اند و از طرح نظریه‌های این رشته دوری جسته‌اند. در سال ۱۳۱۷ کرسی ادبیات تطبیقی (= سنجش ادبیات) در دانشگاه تهران تأسیس شد؛ اما پس از مدت کوتاهی کلاس‌های درس ادبیات تطبیقی به دلیل نبود متخصص ادبیات تطبیقی به دستور رئیس وقت دانشگاه تهران تعطیل شد. چندسال بعد دوباره تدریس ادبیات تطبیقی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه مزبور آغاز گردید و دستاورد نسبتاً خوبی نیز داشت. از استادان این رشته در آن زمان می‌توان به عبدالحسین زرین‌کوب، محمد محیط طباطبایی و محمدتقی غیاثی

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

اشاره کرد که با راهنمایی این استادان چندین رساله نیز دفاع شد که از آن‌جمله می‌توان به رسالهٔ کیومرث صابری (گل‌آقا) با موضوع *آغاز آشنایی ایرانیان با زبان فرانسه* در سال ۱۳۵۷ اشاره کرد. پس از این دوره، ادبیات تطبیقی به‌صورت پراکنده به حیات خود ادامه داد و محققانی چون مجتبی مینوی، ابوالحسن نجفی، حسن هنرمندی، علی‌اکبر خان‌محمدی، محمدعلی اسلامی ندوشن، محمدرضا شفیعی کدکنی، کوکب صفاری، جواد حدیدی، جلال ستاری، مهدی محقق، صالح حسینی و دیگران در پژوهش‌ها و آثار خود، علاقهٔ خود را به ادبیات تطبیقی نشان دادند. در ادامهٔ این مقاله، سیر پژوهش‌های ادب تطبیقی را که در دهه‌های مختلف نوشته شده‌اند، در قالب نمودارهای «زمانی» و «موضوعی» مورد نقد و بررسی قرار داده‌ایم.

۳. تحلیل داده‌ها

۱-۳. بررسی و تحلیل سیر مقاله‌های ادبیات تطبیقی

مقاله‌های ادبیات تطبیقی را می‌توان از دیدگاه‌های گوناگونی بررسی کرد. در این بخش، مقاله‌ها از دیدگاه «زمانی» و «موضوعی» بررسی می‌شوند:

۱-۱-۳. بررسی مقاله‌ها از دیدگاه زمانی:

۱-۱-۱-۳. توزیع زمانی مقاله‌ها

نمودار ۱. توزیع زمانی مقاله‌ها

زمان	تعداد مقاله	درصد
۱۳۳۰- ۱۳٤۰	۱٦	۲
۱۳٤۱- ۱۳۵۰	۳۳	٤
۱۳۵۱- ۱۳٦۰	٦۰	۸
۱۳٦۱- ۱۳۷۰	۱۸	۲
۱۳۷۱- ۱۳۸۰	۷٦	۱۰
۱۳۸۱- ۱۳۹۰	۵٦۷	۷٤
کل مقاله‌ها		۷۷۰

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

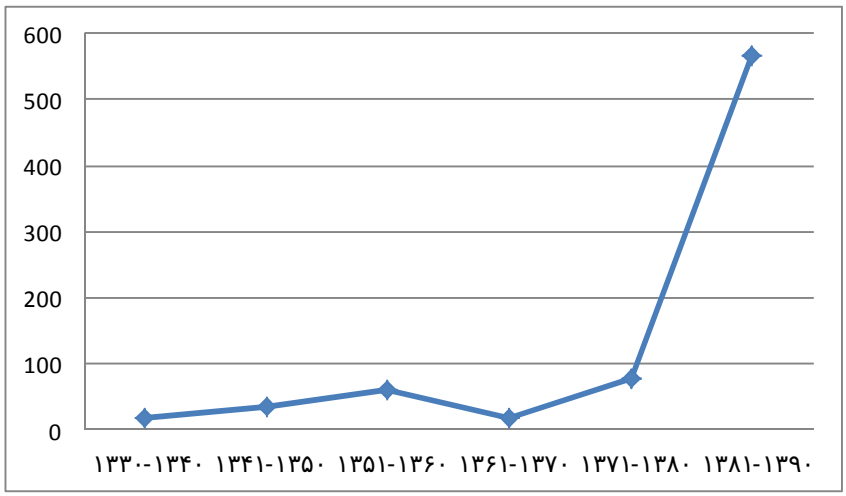

نمودار ۲. توزیع زمانی مقاله

این نمودار توزیع زمانی مقاله‌ها از آغاز سال ۱۳۳۰ تا پایان سال ۱۳۹۰ شمسی را در هر ده‌سال نشان می‌دهد. نمودار حاضر نشان می‌دهد که در سه دهۀ اول، تعداد اندکی مقاله در پیوند با موضوعات تطبیقی به زبان فارسی منتشر شده است. بدیهی است که در این چند دهه، ادبیات تطبیقی در ایران در آغاز راه بود و هنوز تحقیقات پرشماری در این‌باره انجام نشده بود. یکی از نکات قابل تأمل در مقاله‌های دهۀ سوم و چهارم، پژوهش‌هایی است که در باب تطبیق *شاهنامۀ* فردوسی با دیگر حماسه‌های جهان نوشته شده است. سنجش فردوسی با هومر چه از دید اندیشمندان ایرانی [و چه اندیشمندان غیر ایرانی] امری طبیعی بود. ادبیات حماسی در جهان محدود است و در این میان، تنها آثار فردوسی و ویرژیل با آثار هومر قابل مقایسه‌اند و شاید نیز *مهابهاراتا* [در موضع قیاس قرار گیرد] که البته این حماسه عامیانه است (نک. یوحنان، ۱۳۸۵: ۵۷). برخی نمونۀ این مقاله‌ها عبارت‌اند از: «شاهنامه و ایلیاد» (۱۳۲۹)،

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

«دو داستان؛ همانند داستان قدیم فرانسوی و رستم و اسفندیار فردوسی» (۱۳٤٦) هر دو مقاله از عبدالحسین زرین‌کوب، «فردوسی و هومر» از محمدعلی اسلامی ندوشن، «شاهنامهٔ فردوسی و ابلیاس امیروس» از نصرالله فلسفی و «فردوسی و ایلیاد» از امین عبدالمجید بدوی.

در دهه‌های بعدی نیز این روند ادامه پیدا می‌کند و همچنان شباهت زیاد شخصیت‌های شاهنامه و منظومه‌های حماسی یونان، *ایلیاد* و *اودیسه*، دست‌مایهٔ خلق مقاله‌های زیاد دیگری می‌شود.

موضوع عمدهٔ دیگر، مقاله‌هایی است که در تطبیق رستم و سهراب فردوسی با سهراب و رستم ماتیو آرنولد، شاعر و اندیشمند انگلیسی، صورت گرفته است. انگیزه و مأخذ عمدهٔ آرنولد در سرودن منظومهٔ «سهراب و رستم» مقالهٔ نقّاد نامی فرانسوی، سنت بوو[1] بود که به مناسبت انتشار *شاهنامهٔ* ترجمهٔ ژول مول[2] نوشته بود (نک. آرنولد، ۱۳٥٤: ١٤). همین امر باعث شد تا در این دهه نویسندگانی در باب این تأثیرپذیری مقالاتی بنویسند؛ نمونه‌ای از این مقاله‌ها عبارت است از: «ملاحظاتی چند در باب *سهراب و رستم* اثر ماتیو آرنولد» (۱۳۳۲) از عبدالحسین زرین‌کوب و «متیو آرنولد» (۱۳٥۰) از حسن موقر بالیوزی. عمدهٔ مطالب این مقاله‌ها در بیان تأثیر ترجمه‌های شاهنامهٔ فردوسی و سیر آشنایی شاعران فرنگی با قسمت‌های مختلف شاهنامه می‌باشد. این نکته باعث تکراری‌شدن موضوعات بسیاری از مقاله‌های این دوره شده است و تکیه بیش از حد به برخی از مطالب و شخصیت‌های شاهنامه باعث یکنواختی محتوای مقاله‌های این دوره شده است.

پس از این‌که فاطمه سیاح مقدمات برپایی کرسی ادبیات تطبیقی را در دانشگاه تهران پی‌ریزی کرد، جمشید بهنام در سال ۱۳۳۲ کتابی با عنوان *ادبیات تطبیقی* نوشت و کم‌کم زمینه برای نیل به تحقیقات گسترده و بنیادی آماده شد. کاری که مجتبی مینوی در مورد نمایش‌نامهٔ «تاجر ونیزی» شکسپیر انجام داده است،

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

نمونه‌ای از یک پژوهش تطبیقی در این دوره است (نک. مینوی، ١٣٣٣: ٢٣٨-١٤٠). خوشبختانه در سال‌های قبل از دههٔ پنجم، مقاله‌هایی نیز منتشر شدند که به‌ویژه به تطبیق ادبیات ایران و اروپا می‌پرداختند. مقالات و مجموعهٔ پژوهش‌های تطبیقی مجتبی مینوی که به گسترش این علم در فضای ادبی آن روزگار می‌پردازد، در جایگاه یکی از مؤثرترین محققان ایرانی در این عرصه است و مقالهٔ عبدالحسین زرین‌کوب با عنوان «گوته و ادبیات ایران» که به بررسی *دیوان شرقی* و تأثیرات ادب فارسی بر آن پرداخته است، در رشد و گسترش این علم در دههٔ ذکرشده نقش بسزایی داشت (بزرگ‌چمی، ١٣٨٧: ١٥١). اسلامی ندوشن نیز در سال‌های بین ١٣٤٠ تا ١٣٥٥ مقاله‌ای سه بخشی با عنوان «تولستوی، مولوی دوران جدید» را در مجلهٔ *یغما* به چاپ می‌رساند. نویسنده در این مقاله هرچند دلیل منطقی و آشکاری بر تأثیرپذیری تولستوی از مولانا ارائه نمی‌کند، ولی از باب موازنه و مقایسهٔ پیوستگی‌های جهان اندیشگی این دو اندیشمند و دسته‌بندی جوهرهای فکری مشترک، دارای ارزش و اهمیت است. در سال ١٣٥١ ابوالحسن نجفی- که خود از پیشروان ادبیات تطبیقی در ایران است- با انتشار مقالهٔ «ادبیات تطبیقی چیست؟» برگ تازه‌ای به کارنامهٔ ادبیات تطبیقی افزود. نجفی ضمن بیان ماهیت این رشتهٔ نوپای ادبی، به بیان اصول مقدماتی و تعیین حد و مرز آن مبادرت نمود و اولین مقالهٔ انتقادی را در حوزهٔ ادب تطبیقی نگاشت. وی ضعف پژوهش‌های این دوره را این‌طور بیان می‌کند:

متأسفانه در این دهه با همهٔ اشراف و تسلطی که استادان ما در شناخت ادبیات کشورهای مختلف داشتند عملاً هیچ منبع و کتابی وجود نداشت که دانشجو و طالب این علم بتواند به آن مراجعه کند و عمدهٔ پژوهش‌ها، به کاربرد عملی اصول پرداخته و از طرح نظری اصول اجتناب کرده‌اند (نجفی، ١٣٥٠: ٤٣٥).

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

همچنین شمیسا در مقدمهٔ کتاب *تأثیر شعر عربی بر تکامل شعر فارسی* اثر محمد عمر داودپوتا بر این سخن ابوالحسن نجفی صحه نهاده است (نک. داودپوتا، ۱۳۸۲: مقدمه).

دههٔ ششم (۱۳۵۱-۱۳۶۰): یکی از محققانی که در آغاز این دهه و همچنین در سال‌های بعد نیز به‌طور جدی به موضوع ادبیات تطبیقی پرداخت، جواد حدیدی است. وی که دارای مدرک دکتری ادبیات فرانسه بود در رشد و گسترش این رشته، نقش بسزایی داشته است. اوج هنر حدیدی در ادبیات تطبیقی را می‌توان در مقالهٔ وی با عنوان «شیوه‌های پژوهش در ادبیات تطبیقی» بازجست[۳]. حدیدی یکی از پرکارترین نویسندگان این دهه است که با نوشتن پانزده مقاله در باب ادبیات تطبیقی سهم چشمگیری در مطالعات تطبیقی این دوره دارد. مقاله‌های ذیل محصول پژوهش‌های حدیدی در این دوره‌اند: «در گلستان سعدی» (۱۳۵۰)، «شاعران ایرانی در نمایش‌نامه‌های فرانسوی» (۱۳۵۱)، «ادبیات تطبیقی، پیدایش و گسترش آن» (۱۳۵۱)، «شب‌های ایرانی (۱)» (۱۳۵٤)، «حافظ در ادبیات فرانسه» (۱۳۵۵)، «فردوسی در ادبیات فرانسه» (۱۳۵۷). وی همچنین با تیزبینی و دقت زیاد، مقاله‌ای سه‌بخشی با عنوان «خیام در ادبیات فرانسه» (۱۳۵۲) نوشت. در این مقالهٔ بلند به‌خوبی تأثیر خیام بر ادبیات فرانسه بررسی شده است، به‌ویژه که در این مقاله هم تأثیرات مستقیم و هم تأثیرات غیر مستقیم به‌زیبایی نمایانده شده است؛ همچنین آشنایی نویسندهٔ مقاله با خیام و رباعیات او نگاه واقع‌بینانهٔ او به شعر و اندیشهٔ خیام، با استنادهای استوار بر ارزش علمی و غنای او افزوده است (نک. حسن‌لی و حسام‌پور، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

به‌جز حدیدی نویسندگان دیگری نیز در این دهه به موضوعات تطبیقی به‌ویژه در تطبیق ادب فارسی و عربی علاقه نشان دادند و مقاله‌هایی نیز در این باب نوشتند که عبارت‌اند از: «ایوان مداین از دیدگاه دو شاعر نامی تازی و پارسی: بحتری و خاقانی» نوشتهٔ سیدامیرمحمود انوار (۱۳۵۳) [بعدها در سال ۱۳۸۳

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

کتابی با همین عنوان به چاپ رسید]. «واژه‌های فارسی در زبان تازی» نوشتهٔ خدامراد مرادیان (١٣٥٤)، «مشابهات صور خیال در شعر فارسی و عربی» نوشتهٔ محمدرضا شفیعی کدکنی (١٣٥٠).

دههٔ هفتم (١٣٦١-١٣٧٠): رشد کیفی جریان مطالعات تطبیقی چنان‌که در دههٔ پنجم شروع شده بود، ادامه نیافت. شاید تعطیلی دانشگاه‌ها و جنگ تحمیلی هشت‌ساله در این موضوع بی‌تأثیر نبوده باشد. همچنین دلیل موجّه دیگر شاید این باشد که هنوز فضای دانشگاهی و دانشجویان برای این امر آماده نشده بود و تا تربیت شاگردان و سوق‌دادن آن‌ها به سوی ادبیات تطبیقی به یک دهه زمان نیاز داشت. به هر حال هر دلیل دیگری که داشته باشد، در این دهه مطالعات تطبیقی کاملاً افول می‌کند. نکتهٔ حائز اهمیت این دوره این است که همانند آغاز دههٔ پنجم، مقاله‌هایی در تعریف و چیستی ادبیات تطبیقی نوشته شد. آیت‌الله‌زاده شیرازی با مقالهٔ «ادبیات تطبیقی: موضوع و تعاریف آن» (١٣٦٢) همانند مقالهٔ ابوالحسن نجفی به تعریف و زمینه‌های پژوهش در این رشته می‌پردازد. وی یکی از انگیزه‌های خود را در نوشتن این مقاله این‌طور بیان می‌کند:

> تاکنون در بررسی‌هایی که از سوی محققان ما در تحدید و بیان مفهوم ادبیات تطبیقی به انجام رسیده است، اشتباهات فراوان رخ داده است؛ همچنین در نشأت این دانش خطاهای بسیاری به وقوع پیوسته است که نحوهٔ تحقیق در این علم را دچار لغزش ساخته است و به بسیاری از پژوهشگران در این زمینه، حالت انصراف دست داده است و مردم را در سودمندی این دانش به گمراهی کشانده است (آیت‌الله‌زاده شیرازی، ١٣٦٢: ٨٧).

این مقاله که تحت تأثیر ترجمهٔ کتاب *الأدب المقارن* محمد غنیمی هلال قرار گرفته، به زعم نویسندهٔ آن کوششی است برای شناساندن ارزش و اهمیت ادبیات تطبیقی در ایجاد تقارب و تفاهم در میان ملل مختلف و اثبات وجوه مشترک فکری و ذوقی در مواریث فرهنگی بشری (نک. همان: ٨٥). چند سال بعد از چاپ این

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

مقاله، یعنی در سال ۱۳۷۳ کتاب *الأدب المقارن* غنیمی هلال از سوی آیت‌الله‌زاده شیرازی ترجمه شد.

همچنین از مقاله‌های معدود این دوره می‌توان به این مقاله‌ها اشاره کرد: ابوالقاسم حبیب‌اللهی در مقالهٔ «مضامین مشترک در ادب فارسی و عربی یا ترجمهٔ شعر به شعر» (۱۳٦۳)، به زمینه‌های مشترک در شعر فارسی و عربی می‌پردازد. الرحمان منیب نیز با مقالهٔ «تأثیرات ادبی غرب در شعر نوین ایران» به جنبه‌های تأثیرپذیری ادبیات معاصر ایران از ادبیات غربی می‌پردازد.

دههٔ هشتم (۱۳۷۱-۱۳۸۰): کارنامهٔ ادبیات تطبیقی به نسبت چنددههٔ گذشته پربار می‌شود؛ به‌گونه‌ای که ۸۵ مقاله منتشر می‌شود. در این دوره پژوهشگران از پرداختن به بیان اصول مقدماتی و کلیّات ادبیات تطبیقی گذر کرده‌اند و تقریباً بیشتر مقاله‌های این دوره در بیان اصول عملی و کاربردی ادبیات تطبیقی است. ذکر تمام مقاله‌ها در این بخش امکان‌پذیر نیست؛ اما برای آشنایی با سیر تغییرات در موضوعات مقاله‌های این دوره، به چند مقاله اشاره می‌کنیم: «داستان‌های هندی در ادبیات فارسی» از فتح‌الله مجتبایی (۱۳۷۰)، «فردوسی، ولف، نوشین» نوشتهٔ بنفشه حجازی (۱۳۷۱)، «پژوهش در مقایسهٔ افسانه‌های عامیانهٔ ملل با قصه‌های ایرانی» نوشتهٔ محمود ظریفیان (۱۳۷۱)، «مراکز انتقال فرهنگ اروپایی در ادبیات معاصر ایران» نوشتهٔ محمود بشیری (۱۳۷۲)، «اثر ادبیات فرانسه در فارسی» نوشتهٔ حسن مقدم (۱۳۷۲)، «تأثیر قابوسنامه در اشعار گوته» نوشتهٔ جهانگیر فکری ارشاد (۱۳۷٤)، ادوارد فیتزجرالد و ادبیات فارسی» نوشتهٔ پروین لؤلؤیی (۱۳۷٤)، «اسطورهٔ الگوی ایرانی: تریستان و ایزوت» از جلال ستاری (۱۳۷۷) و «سیطرهٔ معنوی مولانا در جهان غرب» نوشتهٔ علی دهباشی (۱۳۷۸).

با نگاهی کلی به موضوع مقاله‌های یادشده، به‌روشنی می‌توان دریافت که نویسندگان این دوره کوشیده‌اند با نگاهی تازه‌تر به مطالعات تطبیقی بپردازند. عمدهٔ تلاش محققان در این دوره به بازشناخت تأثیر شاعران طراز اول ایران

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

همچون فردوسی، خیام و مولانا بر ذهن و زبان اندیشمندان دیگر کشورها معطوف شده است.

دههٔ نهم (١٣٨١-١٣٩٠): در این دهه شاهد رشد کمّی و کیفی ادبیات تطبیقی هستیم. از میان ٧٥٠ مقاله، ٥٥٠ مقاله متعلق به این دهه است که در مقایسه با چند دههٔ گذشته کاملاً متمایز است. مهم‌ترین دلایل اقبال روزافزون تحقیقات تطبیقی در دههٔ اخیر را می‌توان در موارد زیر بازجست:

١. برگزاری دو همایش ادبیات تطبیقی در سال‌های ١٣٨١ و ١٣٨٥ به همت دانشکدهٔ زبان‌های خارجی دانشگاه تهران؛

٢. برگزاری کنگرهٔ ملی ادبیات تطبیقی به همت دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران؛

٣. برگزاری همایش بین‌المللی ادبیات تطبیقی به همت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ١٣٨٥؛

٤. برگزاری پنجمین هم‌اندیشی تعامل ادبی ایران و جهان؛ ادبیات تطبیقی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با همکاری مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی در اردیبهشت ١٣٨٦؛

٥. تأسیس رشتهٔ ادبیات تطبیقی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های شهید باهنر کرمان، فردوسی مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت و علامه طباطبایی تهران؛

٦. انتشار مجله‌های مستقل ادبیات تطبیقی به همت دانشگاه آزاد واحد جیرفت (مطالعات تطبیقی، بهار ١٣٨٦)، دانشگاه شهید باهنر کرمان (فصلنامهٔ ادبیات تطبیقی، پاییز ١٣٨٨)، فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی (ویژه‌نامهٔ ادبیات تطبیقی، بهار ١٣٨٩)، دانشگاه تربیت مدرس (نقد و ادبیات تطبیقی، ١٣٩٠) و انتشار ویژه‌نامه‌های ادبیات تطبیقی از سوی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی؛

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

۷. برگزاری نشست‌های تخصصی ادبیات تطبیقی در مراکز ادبی و محافل علمی سراسر کشور.

افزون بر عواملی که در بالا برشمردیم، نباید از نقش ویژهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی در استقرار و تثبیت و گسترش این رشته غافل بود. گروه تازه‌تأسیس ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی با انتشار چندین شماره از ویژه‌نامهٔ ادبیات تطبیقی، فضای ویژه‌ای را در میان دوستداران ادبیات تطبیقی به وجود آورد. کافی است نگاهی گذرا به نخستین شماره‌های این ویژه‌نامه بیندازیم. ۱. «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران»؛ ۲. «چالش‌های ادبیات تطبیقی در ایران»؛ ۳. «آسیب‌شناسی ادبیات تطبیقی در ایران».

مقالهٔ اول به جلب توجه سیاست‌گذاران ادبی و هنری کشور به ضرورت توسعهٔ این شاخه از دانش بشری در ایران اشاره می‌کند و دلیل عدم گسترش علمی آن در ایران را نبود تعریف جامعی از اصطلاح «ادبیات تطبیقی» و کج‌فهمی‌های به‌وجودآمده بیان می‌کند (انوشیروانی، ۱۳۸۹ج : ٦). مقالهٔ دوم افزون بر مشکلات و موانعی که در سطح جهانی با این رشته روبه‌روست، جایگاه این رشته را در ایران به چالش می‌کشد و با طرح این پرسش که چرا ادبیات تطبیقی در ایران رشد کافی نداشته است، به دلایل تزلزل این رشته اشاره می‌کند (همو، ۱۳۸۹الف: ۳). در مقالهٔ سوم نویسنده بر آن است که نشان دهد چرا در ایران، با وجود تمامی تلاش‌ها، ادبیات تطبیقی تا به حال نتوانسته جایگاه علمی درخور توجهی در فضای دانشگاهی پیدا کند (همو، ۱۳۸۹ب: ۳۵).

گروه یاد شده در کنار مباحث عملی و کاربردی که در مقاله‌های خود ارائه می‌دهد، برای اولین‌بار به مباحث نظری و روش‌شناسی ادبیات تطبیقی- که از اصول بنیادی برای شناساندن این شاخه از علوم ادبی است- نیز مبادرت کرده است؛ همچنین معرفی کتاب‌های ادبیات تطبیقی باعث شده است که این مجله به یک جُنگ ادبیات تطبیقی تبدیل شود که در نوع خود کم‌نظیر است.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

٢-١-٣. بررسی مقاله‌ها از دیدگاه موضوعی:

نمودار ٣. توزیع موضوعی مقاله‌ها

موضوع مقاله	تعداد	درصد
١. مبانی و کلیّات ادبیات تطبیقی	٢٥	٥
٢. فردوسی و هومر	١٢	٢
٣. تأثیر ادبیات ایران بر ادبیات غرب	٤٨	٩
٤. تأثیر ادبیات ایران بر ادبیات عرب	٢٢	٤
٥. تأثیر شعر عربی در شعر فارسی	٢٧	٥
٦. تأثیر ادبیات معاصر ایران از ادبیات غرب	٣٥	٧
٧. تأثیر ادبیات داستانی نوین ایران از شیوهٔ داستان‌نویسی غربی	١٤	٣
٨. مقایسهٔ خیام با شاعران و اندیشمندان دیگر	٢٨	٥
٩. مقایسهٔ شعر و اندیشهٔ مولانا با شاعران و اندیشمندان دیگر	٣٤	٦
١٠. جایگاه مولانا و نفوذ وی در غرب	١٥	٣
١١. خیام و فیتزجرالد	١٨	٣
١٢. مقایسهٔ ادبیات ایران با ادبیات دیگر کشورها	٢٨	٥
١٣. مقایسهٔ *سیرالعباد* سنایی با *کمدی الهی* دانته و رسالهٔ *الغفران*	١٧	٣
١٤. خیام و ابوالعلاء معرّی	١٢	٢
١٥. مقایسهٔ سعدی با شاعران و اندیشمندان دیگر	١٩	٤
١٦. حافظ و اندیشمندان و شاعران دیگر	١٥	٣
١٧. گسترهٔ شعر فارسی در انگلستان و آمریکا	٢١	٣
١٨. مقایسهٔ عطار با شاعران و اندیشمندان دیگر	١٥	٤
١٩. مقایسهٔ منظومه‌های حماسی فارسی با منظومه‌های حماسی دیگر کشورها	٣٣	٣
٢٠. تأثیر ادبیات فارسی بر ادبیات فرانسه	١٤	٦
٢١. موازنه و مقایسهٔ شاعران و نویسندگان کشورهای مختلف	٦٥	١٢
٢٢. تأثیرات زبانی	٣١	٦

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

نمودار ۴. توزیع موضوعی مقاله‌ها

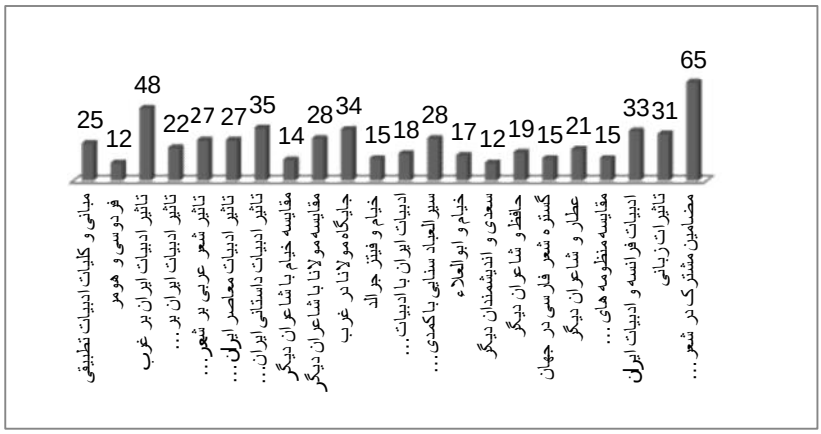

همان‌طور که نمودار نشان می‌دهد، فراوانی موضوعات در بخش‌های مختلف تقریباً یکسان است. در ستون اول ۲۵ مقاله در موضوع مبانی و کلیّت ادبیات تطبیقی نوشته شده است که بیشتر این مقاله‌ها از محتوای یکسانی برخوردارند و در بحث‌های خود عموماً به کتاب *ادبیات تطبیقی* نوشتهٔ محمد غنیمی هلال، استاد برجستهٔ ادبیات تطبیقی عرب، استناد می‌کنند؛ برای نمونه می‌توان به این مقاله‌ها اشاره کرد که محتوایی کاملاً شبیه به هم دارند:

«ادبیات تطبیقی چیست؟» (۱۳۵۰)، «ادبیات تطبیقی، پیدایش و گسترش آن» (۱۳۵۱)، «ادبیات مقایسه‌ای چیست؟» (۱۳۵۵)، «ادبیات تطبیقی، موضوع و تعاریف آن» (۱۳٦۳)، «ادبیات تطبیقی و مفهوم امروزین آن» (۱۳۸٤)، «ادبیات تطبیقی و پیشینهٔ پیدایش آن» (۱۳۸٦)، «ادبیات تطبیقی و قلمرو آن» (۱۳۸۷)، «کلیّت ادبیات تطبیقی» (۱۳۸۷)، «ادبیات تطبیقی در ایران، پیدایش و چالش‌ها» (۱۳۸۷)، «ادبیات تطبیقی: تعریف و زمینه‌های پژوهش» (۱۳۸۹).

از نکات دیگر این نمودار این است که بیشترین حجم مقاله‌ها مربوط به شاعران نامی شعر فارسی است. شهرت و جذابیت عالمگیر شاعرانی همچون فردوسی، خیام، عطار، سنایی، سعدی، حافظ و مولانا سبب شده است تا تحقیقات تطبیقی فراوانی پیرامون آثار آنان با شاعران و اندیشمندان غربی صورت بگیرد. از این میان شهرت فردوسی، خیام و مولانا ظاهراً بیش از دیگر شاعران است. بسیاری از شرق‌شناسان از فردوسی با عنوان «هومر

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

ایران» یا «هومر مشرق‌زمین» یاد می‌کنند. این شیوهٔ یادکرد از فردوسی در آثار کسانی چون سر ویلیام اوزلی (١٧٦٧-١٨٤٩)، اتکینسن (١٧٨٠-١٨٤٧) و دیگران بسیار شایع است (نک. امیدسالار، ١٣٨٧: ٢٣). دربارهٔ فردوسی بیشتر مقاله‌ها در مقایسهٔ شاهنامه با حماسه‌های یونان، ازجمله *ایلیاد* و *اودیسهٔ* هومر و *ایلیاس* از امیروس است. شاید اولین کسی که شباهت فردوسی و هومر را مطرح کرد، سِر ویلیام جونز (١٧٤٦-١٧٩٤) باشد که او را به‌حق پدر و پایه‌گذار زبان‌شناسی تطبیقی هندواروپایی می‌خوانند (نک. همان). از میان اندیشمندان ایرانی، کامران جمالی در کتاب فردوسی و هومر و محمدعلی اسلامی ندوشن در کتاب‌های *زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه*، *جام جهان‌بین* و *آواها و ایماها*، ذبیح‌الله صفا در کتاب *حماسه‌سرایی در ایران* به وجود این شباهت‌ها در تحقیقات خود اشاره کرده‌اند[٤]. اسلامی ندوشن در کتاب *زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه* می‌نویسد: «جنگ رستم با دیو سفید یادآور نبرد اولیس با پولیفم دیو است» (اسلامی ندوشن، ١٣٤٩: ٣١٩). شکی نیست که چنین شباهت‌هایی در ادب حماسی موجود است، اما وجود شباهت دلیل بر خویشاوندی نیست؛ چنان‌که اشخاصی هم که از نظر صوری به یکدیگر شباهت دارند، الزاماً خویشاوند نیستند. نصرالله فلسفی در مقالهٔ خود با عنوان «شاهنامهٔ فردوسی و ایلیاس امیروس» به دشواری‌های این تطبیق اشاره کرده است[٥]. تکیهٔ بیش از حد به برخی موضوعات و شخصیت‌های شعر فارسی باعث به وجود آمدن پژوهش‌های تکراری شده است. برای نمونه دربارهٔ ارتباط میان خیام و ابوالعلاء معرّی و جنبه‌های تأثیرپذیری و مقایسهٔ جهان‌اندیشگی این دو، مقاله‌های همانندی نوشته شده است که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

١. «ابوالعلاء معرّی و عمر خیام»، از عمر فروخ (١٣٥٦)؛

٢. «مقایسهٔ بین ابوالعلاء معرّی و خیام»، از محمد فاضلی (١٣٥٦)؛

٣. نگاهی به دو زندیق؛ خیام و ابوالعلاء از فردین شیروانی و حسن شایگان (١٣٥٦)؛

٤. «آیا خیام و ابوالعلاء زندیق بودند؟»، از جعفر آقایان چاووشی (١٣٥٦)؛

٥. «دو عصیان‌گر عالم‌سوز؛ خیام و ابوالعلاء»، از عبدالحسین فرزاد (١٣٥٨)؛

٦. «خیام و ابوالعلاء معرّی»، از عبدالحسین فرزاد (١٣٧٩)؛

٧. «بررسی تطبیقی افکار و عقاید ابوالعلاء و خیام»، از لیلا امینی و فضل‌الله میرقادری(١٣٨٨).

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

مطلب مهم در مقاله‌های یادشده، چگونگی ارتباط میان خیام و ابوالعلاء، تأثیرگذاری ابوالعلاء یا بی‌تأثیربودن اندیشه‌های ابوالعلاء بر خیام، تأکید بر وجود نوعی توارد اندیشه میان این دو اندیشمند و کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های شیوهٔ تفکرات خیام و ابوالعلاء است (نک. حسن‌لی و حسام‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

همچنین در رابطه با خیام و نقش ترجمه‌های فیتزجرالد در شهرت جهانی خیام، مقاله‌هایی فراوان و با محتوایی یکسان و مشابه نوشته شده است:

۱. «خیام و فیتزجرالد»، از حسین خطیبی؛

۲. «علل شهرت خیام در مغرب‌زمین»، از عیسی صدیق اعلم؛

۳. «عمر خیام؛ شعرای ایران و مترجمین انگلیسی ایشان»، از آرتور جان آربری؛

٤. «فیتزجرالد، مترجم خیام یا خیام انگلستان»، از منوچهر بیات مختاری؛

٥. «خیام شاعر و ترجمان انگلیسی او»، از حسن شهباز؛

٦. «خیام و فیتزجرالد»، از کاظم شرکت؛

۷. «ادوارد فیتزجرالد و ادبیات فارسی»، از پروین لؤلؤیی؛

۸. «نگاهی به روایت فیتزجرالد»، از فردین شیروانی و حسن شایگان؛

۹. «فیتزجرالد و ادبیات فارسی»، از اسماعیل زارع بهتش؛

۱۰. «رباعیات عمر خیام»، از احمد تمیم‌داری؛

۱۱. «فیتزجرالد، خیام و مشکل ترجمهٔ شعر»، از مسعود خیام.

در بیشتر این مقاله‌ها دربارهٔ سه موضوع بحث شده است؛ نخست زندگی و شخصیت فیتزجرالد، دوم چگونگی آشنایی او با ادبیات فارسی و خیام و رباعیات او به کمک ادوارد کاول و در ادامه، چگونگی برگردان و ترجمهٔ فیتزجرالد از رباعیات. بیشتر نویسندگان در مطلب سوم از اثر *ادوارد هرون آلن* بهره گرفته‌اند. آلن در این اثر به‌گونه‌ای تطبیقی، رباعیات ترجمه را با اصل رباعیات خیام سنجیده و روشن ساخته است که هر رباعی از چه مأخذ یا مآخذی گرفته شده و فیتزجرالد چه تغییراتی در آن‌ها داده است (نک. همان: ۱۱٤ و ۱۱۵).

این نمودار همچنین نشان می‌دهد که ادبیات فارسی در چه زمینه‌هایی از ادبیات کشورهای دیگر تأثیر پذیرفته و در چه زمینه‌هایی تأثیرگذار بوده است. نمودار نشان می‌دهد که شعر فارسی به مدد شاعران بزرگ خود، همواره بر ذهن و زبان شاعران بزرگ

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

کشورهای دیگر ازجمله ویکتور هوگو، فیتزجرالد، فون‌هامر آلمانی، لانگ فلو، ویلیام جونز، بایرون، ژول مول، گوردون بایرون، جان ملکم، تنیسون، دوتاسی، راس، فالکنر و... کاملاً تأثیرگذار بوده است؛ اما در بخش ادبیات نوین، شدیداً تحت تأثیر ادبیات کشورهای غربی به‌خصوص در حوزهٔ رمان و داستان‌نویسی نویسندگان فرانسوی و آمریکایی قرار گرفته است. این‌ها و مطالب ناگفتهٔ دیگر، همه و همه مواردی هستند که در مقولهٔ ادبیات تطبیقی جای می‌گیرند. بدین لحاظ، ادبیات تطبیقی در دنیای مدرن امروزی، نقش و جایگاه بسیار مهم و ارزشمندی دارد و هیچ ملت و هیچ ادبیاتی از پرداختن به آن گزیری ندارد.

مقاله‌های بی‌شماری در بیان مقایسهٔ شاعران و نویسندگان کشورهای مختلف نوشته شده است. نکتهٔ قابل تأمل در محتوای این دست از مقاله‌ها این است که صرف وجود شباهت میان آثار دو نویسنده، دلیل بر تأثیر و تأثر نیست؛ زیرا مرز مشخصی میان تأثیرپذیری و توارد ذهنی و فکری وجود ندارد، بلکه باید ثابت شود که نویسندهٔ تأثیرپذیر آثار نویسندهٔ دیگر را خوانده و از آن‌ها بهره‌مند شده است؛ بنابراین مقایسهٔ صرف آثار و اندیشه‌های دو شاعر یا اندیشمند فقط به سبب تفاوت در زبان‌های آن‌ها در حوزهٔ پژوهش‌های تطبیقی جای نمی‌گیرد.

همچنین مقاله‌های زیادی در بیان مقایسهٔ خیام با جان میلتون انگلیسی و طه حسین یا فردوسی با هومر، یا مقایسهٔ *کمدی الهی* دانته با *سیرالعباد* سنایی و *رسالهٔ الغفران* معرّی نوشته شده‌اند که در پایان همهٔ مقاله‌هایی که در این موضوعات نوشته شده‌اند، هیچ دلیل منطقی مبنی بر ارتباط آثار ذکرشده وجود ندارد و شباهت‌ها در کلیّات است و در جزئیات تا حدّ زیادی با هم متفاوت هستند. واژه‌های شاید، به نظر می‌رسد، بعید نیست، احتمال می‌رود از کلمات پرتکرار این دست مقاله‌ها است.

از دیگر موضوعات مقاله‌های تطبیقی، تحقیق در داستان‌های تمثیلی- عرفانی و شرح سفر روح به عالم علوی است. سفر روحانی، درونمایهٔ اصلی مثنوی *سیرالعباد* سنایی (٥٣٥ ق) و منظومهٔ *کمدی الهی* سرودهٔ دانته الیگیری (١٣٢١م) است. با توجه به فضل تقدم سنایی بر دانته و این‌که همهٔ محققان گفته‌اند، مدرکی دالّ بر این‌که دانته در *کمدی الهی* از *سیرالعباد* تأثیر گرفته باشد، به دست نیامده است. بنا به گفتهٔ غنیمی هلال هم دانته و هم ابوالعلاء به انبوهی از نوشتجات ناموثق اسلامی پیرامون «معراج و اسراء» دسترسی داشته‌اند؛ اما درواقع آنچه مسلم

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

بوده، این است که اساس هر دو اثر کتاب مشهور «ارداویراف‌نامه» بوده است؛ نکته‌ای که بسیاری از نویسندگان این دست مقاله‌ها کمتر به آن توجه داشته‌اند[٦]. با وجود این، مقاله‌هایی شبیه به هم در این‌باره نوشته شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. «سیری در سیرالعباد سنایی»، از بهاءالدین مجروح (۱۳۸۵)؛

۲. «سیری در سفرنامه‌های تمثیلی»، از رضا آزادپور (۱۳۸۵)؛

۳. «سیرالعباد سنایی غزنوی و کمدی الهی دانته»، از مریم مشرف (۱۳۸٦)؛

٤. «صراط‌های آسمان؛ مطالعهٔ تطبیقی دو اثر عرفانی (سیرالعباد الی المعاد سنایی و کمدی الهی دانته)»، از حسن اکبری بیرق و الیاس بابایی (۱۳۸۸).

نکتهٔ مهم دربارهٔ مقالات پیش‌گفته این است که همهٔ نویسندگان این مقاله‌ها، به شباهت‌های محسوسی در رابطه با *سیرالعباد* سنایی با *کمدی الهی* دانته اشاره کرده‌اند؛ حتی پیشتر نیکلسن، مستشرق انگلیسی، *سنایی را یک ایرانی پیشرو دانته می‌نامد*[٧] ولی با وجود این هیچ مدرکی دالّ بر تأثیرپذیری دانته از منابع اسلامی و شعر سنایی به دست نداده‌اند و همه در حد احتمال است. در توجیه مشابهت میان مضامین *کمدی الهی* دانته و *سیرالعباد* سنایی می‌توان گفت از نوع توارد یا همسانی «صور نوعی» ناخودآگاه جمعی در پهنهٔ گیتی مطابق نظریهٔ کارل گوستاو یونگ است[٨]

۴. نتیجه‌گیری

مطالعهٔ سیر ادبیات تطبیقی در ایران با ذکر آمار و ارقام، بینش عمیق‌تر و بهتری از وضعیت و جایگاه ادبیات تطبیقی در یک دورهٔ خاص یا دهه‌های مختلف به دست می‌دهد. از آغاز پیدایش جدی این رشته در تحقیقات محققان ما، آثار و پژوهش‌های فراوانی به وجود آمده است که می‌توان با کنار هم قرار دادن آن‌ها تصویر درستی از ماهیت و روند این شاخهٔ بسیار مهم، فعال و بارور علوم انسانی به دست آورد.

سیر مقالات ادب تطبیقی در ایران- که در این مقاله بدان پرداخته شده است- موضوعی است که تا به حال مورد ارزیابی و تحقیق قرار نگرفته است. یکی از وجوه و نتایج این تحقیق، سیر صعودی شمار مقاله‌هایی است که از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۹۰ه.ش پدید آمده‌اند و هرچه به سال‌های اخیر نزدیک‌تر می‌شویم، این روند رو به رشدتر است؛ دلایل عمده‌ای سبب

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

پیشرفت نسبی تحقیقات تطبیقی شده است که از آن‌جمله می توان بـه برگـزاری همـایش‌هـای ادبیات تطبیقی، تأسیس انجمن ادبیات تطبیقی، انتشار کتاب‌های دست اول ادب تطبیقی، انتشار چندین مجلهٔ دانشگاهی مستقل در موضوع ادب تطبیقـی و برگـزاری نشسـت‌هـای تخصصـی ادبیات تطبیقی در مراکز ادبی و محافل علمی کشور اشاره کرد. گفتنی است تحلیل مقالـه‌هـای ادب تطبیقی نشان داد که شعر فارسی به قوّت شاعران طراز اول خود، به‌طور مستقیم و یا بـا واسطه، همواره بر ذهن و زبان شـاعران بـزرگ جهـان ازجملـه ویکتـور هوگـو، فیتـزجرالـد، فون‌هامر آلمانی، لانگ فلو، ویلیام جونز، بـایرون، ژول مـول، گـوردون بـایرون، جـان ملکـم، تنیسون، دوتاسی، راس، فالکنر و دیگران تأثیرگذار بوده است و نیز در بخـش ادبیـات نـوین، تحت تأثیر ادبیات کشورهای غربی به‌خصوص در حوزهٔ رمان و داستان‌نویسـی نویسـندگان فرانسوی و آمریکایی قرار گرفته است.

کارنامهٔ ادبیات تطبیقی با توجـه بـه آنچـه در بخـش‌هـایی از ایـن مقالـه نشـان دادیـم، در بسیاری از آثار انجام‌شده، شاهد موازی‌کاری و پژوهش‌های تکراری و موضوعات شـبیه بـه هـم اسـت؛ ازیـن رو شـناخت و دسترسـی پژوهشـگران بـه تحقیقـات پیشـینیان در قالـب کتاب‌شناسی ادبیات تطبیقی امری ضروری به نظر می‌رسد.

۵. پی‌نوشت‌ها

1. Saint Beuve
2. Jules Mohl

۳. ر.ک: حدیدی، جواد (١٣٧٩)، «شیوه‌های پژوهش در ادبیات تطبیقی»، مجلهٔ *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، شمارهٔ ٨ (بهار و تابستان)، صص ٦-١١.

٤. برای تحقیق در باب تأثیر و نفوذ شاهنامهٔ فردوسی در ادبیات جهـان بـه کتـاب‌هـا و مقالـه‌هـای زیـر می‌توان مراجعه کرد:

ـ «شاهنامه و زبان ارمنی» به قلم فردریک ماکلر در مجلهٔ آسیایی، صص ٥٤٩-٥٥٩.

ـ «فردوسی و شاعران جهان» (١٣١٣)، از سعید نفیسی، چاپ‌شده در مجلهٔ *فردوسی‌نامهٔ مهر*، صـص ٤٦٥-٤٧٢.

ـ «انتقاد دانشمندان ایرانی راجع به فردوسی» از فاطمه سیاح، *فردوسی‌نامهٔ مهر*، صص ٦٧٣- ٦٨٢.

ـ صفا، ذبیح‌الله (١٣٧٩)، *حماسه‌سرایی در ایران*. تهران: امیرکبیر.

ـ *کتاب‌شناسی فردوسی*، از ایرج افشار.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

۵. برای اطلاع بیشتر راجع به شباهت‌ها و تفاوت‌های حماسه‌های *ایلیاد* و *اودیسه* با *شاهنامهٔ* فردوسی ر.ک:

- امیدسالار، محمود «هلن و هجیر، فردوسی و هومر». (۱۳۸۷)، نشریهٔ *فرهنگ مردم*، شماره‌های ۲٤ و ۲۵، صص ۲۳- ٤۵.

٦. ر.ک: نیکلسون، «سنایی، پیشرو ایرانی دانته». ترجمهٔ عباس اقبال، مجلهٔ *یادگار*، شماره ٤، صص ٤۸- ۵۷.

۷. یونگ که مطالعات خود را بیشتر در بخش ناخودآگاه ذهن متمرکز کرده بود، برای آن دو گونه در نظر گرفت: ناخودآگاه فردی و ناخودآگاه جمعی. به عقیدهٔ او ناخودآگاه جمعی میراثی است از دوره‌های نخستین زندگی بشر که در حافظهٔ تاریخی انسان‌ها ثبت شده است و همهٔ مردم در آن سهیم هستند (نک. شمیسا، سیروس (۱۳۷۸)، *نقد ادبی*، چاپ دوم، تهران: فردوس).

۶. منابع

- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳٤۹). ***زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه***. چ ۳. تهران: توس.
- امیدسالار، محمود «هلن و هجیر، فردوسی و هومر» (۱۳۸۷). نشریهٔ ***فرهنگ مردم***. ش ۲٤ و ۲۵.
- انوشیروانی، علیرضا (۱۳۸۹الف). «چالش‌های ادبیات تطبیقی در ایران». ***ویژه‌نامهٔ ادبیات تطبیقی*** (فرهنگستان زبان و ادب فارسی). د ۱. ش ۲ (پاییز). صص ۲-۷.
- ---------- (۱۳۸۹ب). «آسیب‌شناسی ادبیات تطبیقی در ایران». ***ویژه‌نامهٔ ادبیات تطبیقی*** (فرهنگستان زبان و ادب فارسی). د ۱. ش ۲ (پاییز). صص ۳۲-۵۵.
- ---------- (۱۳۸۹ج). «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران». ***ویژه‌نامهٔ ادبیات تطبیقی*** (فرهنگستان زبان و ادب فارسی). د ۱. ش ۱(بهار). صص ٦-۳۹.
- آرنولد، ماتیو (۱۳۵٤). ***سهراب و رستم***. ترجمهٔ منوچهر امیری. چ ۲. شیراز: دانشگاه شیراز.
- آیت‌الله‌زاده شیرازی، مرتضی (۱۳٦۲). «ادبیات تطبیقی، تعریف و موضوع». ***مقالات و بررسی‌ها*** (دانشگاه تهران) ش ۳۸ و ۳۹. صص ۸۵- ۱۰٤.
- بزرگ‌چمی، ویدا (۱۳۸۷). «کلیّت ادبیات تطبیقی». ***نامهٔ انجمن***. ش ۳۰. صص ۱٤۱-۱۵٦.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]

- حسن‌لی، کاووس و سعید حسام‌پور (١٣٨٨). «کارنامهٔ خیام‌پژوهی در سدهٔ چهاردهم». ***پژوهش‌نامهٔ زبان و ادبیات فارسی***. ش ١٤ (پاییز). صص ١٠٠- ١٢٥.

- داود پوتا، عمر محمّد (١٣٨٢). ***تأثیر شعر عربی بر تکامل شعر فارسی***. ترجمهٔ سیروش شمیسا. تهران: صدای معاصر.

- محفوظ، حسینعلی (١٣٧٧). ***متنبی و سعدی و مآخذ مضامین سعدی در ادبیات عربی***. تهران: روزنه.

- هنرمندی، حسن (١٣٥١). ***سفری در رکاب اندیشه (از جامی تا آراگون)***. تهران: گوتنبرگ.

- ساجدی، طهمورث (١٣٧٧). «نقد کتاب ادبیات تطبیقی غنیمی هلال». ***زبان و ادب***. ش مسلسل ٥ (زمستان). صص ١٣- ٢٤.

- کویاجی، جهانگیر کوورجی (١٣٦٢). ***آیین‌ها و افسانه‌های ایران و چین باستان***. ترجمهٔ جلیل دوستخواه. چ ٢. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

- ساجدی، طهمورث (١٣٨٧). ***از ادبیات تطبیقی تا نقد ادبی***. تهران: امیرکبیر.

- صابری فومنی، کیومرث (١٣٥٧). ***آغاز آشنایی ایرانیان با زبان فرانسه***. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد ادبیات تطبیقی. به راهنمایی محمدتقی غیاثی. تهران: دانشگاه تهران.

- غنیمی هلال، محمد (١٣٧٣). ***ادبیات تطبیقی (تاریخ و تحول، اثرپذیری و اثرگذاری فرهنگ و ادب اسلامی)***. ترجمه و تحشیه و تعلیق از سیدمرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: امیرکبیر.

- مینوی، مجتبی (١٣٣٣). ***پانزده گفتار***. تهران: دانشگاه تهران.

- مقدادی، بهرام (١٣٧٨). ***کیمیای سخن (پانزده گفتار دربارهٔ ادبیات ایران و جهان)***. تهران: هاشمی.

- گویارد، ام. اف (١٣٧٤). ***ادبیات تطبیقی***. ترجمه و تکملهٔ علی‌اکبر خان‌محمدی. تهران: پاژنگ.

- نجفی، ابوالحسن (١٣٥١). «ادبیات تطبیقی چیست؟». مجلهٔ ***آموزش و پرورش*** (تعلیم و تربیت). ش ١٣٠ (فروردین). صص ٤٣٥-٤٤٨.

- یوحنان، جان‌دی (١٣٨٥). ***گسترهٔ شعر پارسی در انگلستان و آمریکا***. ترجمهٔ احمد تمیم‌داری. تهران: روزنه.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2024-05-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1395.4.1.7.4]